

سبک برنامه‌ریزی



نقش کلیدی زنان در اقتصاد خانوار

سکان خانواده معتدل در دست زنان مقتصد

مهارت آنها بر نامه‌ریزی شود، بنابراین برنامه‌ریزان همیشه باید در نظر داشته باشند که در از تقای شرایط اجتماعی، زنان شهروندان در چه دو یا ضعیف نیستند، بلکه برای رسیدن به شرایط ایده‌آل اجتماعی، لازم است بر نقش زنان به عنوان فعال اقتصادی تأکید شود زیرا عدم‌بهره‌وری از نیروی بالقوه زنان در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، دستیابی به توسعه پایدار را غیرممکن می‌کند.

زنان امکانات و توانایی‌هایی دارند که می‌توانند در زمینه‌های مختلف اقتصادی حضور و مشارکت فعال داشته باشند. استعداد بسیار در بانوان ایرانی، اشتیاق و علاقه‌مندی زنان ایرانی جهت مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، ایجاد زمینه و شرایط مناسب فردی برای زنان مانند شجاعت در اعلام‌نظر ها و تصمیم‌گیری‌ها،وداد نظر مساعد مسئولان مینی بر گسترش میزان مشارکت زنان، امکان دستیابی به مسئولیت‌های مهم جامعه توسط بانوان ... و مواردی است که شرایط حضور زنان را در عرصه‌های مختلف تسهیل می‌کند.

■ **مدیریت بهینه اقتصاد خانواده توسط زنان**

زنان حتی اگر خانه‌دار بوده و درآمد ناشی از شغل نداشته باشند، لیف، تهیه مواد غذایی همچون ترشی، مربا، پیاز سرخ کرده و... می‌توانند از بسیاری از هزینه‌ها کم کنند. بخش عمده‌ای از زنان در روستاها ساکن هستند، این بانوان می‌توانند در فعالیت‌های کشاورزی نقش داشته باشند.برای نمونه، خامنی که پایه‌های همسرش را مزمزه مشغول به کار است و محصولاتی مانند گندم، برنج، ذرت و دانه‌های روغنی را کشت می‌کند یا محصولاتی چون گوجه‌فرنگی، سیب‌زمینی و غیره را تولید می‌کند نقش به سزایی در اقتصاد خانواده دارد.

■ **نقش مؤثر زنان در ارتقای بهره‌وری**

در حوزه اقتصاد خانواده، بهره‌وری یعنی اینکه چگونه از امکانات و شرایط موجود بیشترین سود و منفعت نصیب خانواده شود. یکی از رویه‌های اساسی برای افزایش بهره‌وری، مدیریت مصرف خانواده است. به این معنی که تغییر سبک مصرف خانواده، تحت شرایط ثابت می‌تواند شرایط رفاهی خانواده را تغییر دهد. به‌عنوان مثال می‌توان دو خانواده مشابه را تصور شد که هر دو درآمد ماهانه

■ **زرها هنر بخش**

زنان از آنجا که از تباط مؤثری با گروه‌های مختلف اجتماعی دارند، به جز وظایف شخصی و خانوادگی می‌توانند نقش به‌سزایی نیز در رشد و پیشرفت جامعه ایفا کنند. بانوان نقش بسیار کلیدی و تعیین‌کننده‌ای در مناسبات اجتماعی داشته و برای پیشرفت سریع روند تغییر و توسعه پایدار جامعه، مسئولیت تعیین‌کننده‌ای بر عهده دارند. به همین خاطر جوامعی که در مسیر رشد و گسترش سانه‌زده قرار دارند، به این مسئله بی‌برده‌اند که لزوم ایجاد جامعه سالم در گرو وجود زنان فعال و مؤثر در جامعه است. بی‌تردید آموزش و مشارکت زنان نقش به‌سزایی در توسعه کشور خواهد داشت. در این میان نقش زنان در اقتصاد داخلی خانواده بر هیچ کس پوشیده نیست؛ موضوعی مهم که به‌سادگی نباید از کنار آن گذشت.

■ ■ ■

■ **توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان ممکن نیست**

عدم بهره‌وری از نیروی بالقوه زنان در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، دستیابی به توسعه را ناممکن می‌کند. زنان در کشور ما از نظر شاخص‌های بهداشتی و آموزشی در شرایطی به مراتب بهتر از اکثر کشورهای منطقه قرار دارند، اما از نظر حضور در بازار کار و سهم درآمدی، در میان کشورهای در حال توسعه رتبه پایینی را کسب می‌نمایند. بانگهی به‌اجتماع، قوانین، سنت و عرف اجتماعی منوجه می‌شوم که نگرش موجود، مردان را انسان‌آور خانه قبول دارد و بر پایه همین نگرش مشارکت و فعالیت اقتصادی بانوان لازم و ضروری به شمار نمی‌آید. در حالی که با توجه به بالا رفتن سطح سواد دختران و افزایش میزان سهم قبول‌شدگان دختر در دانشگاه‌ها و همچنین افزایش میانگین سن ازدواج و کاهش قدرت خرید سرپرست خانوار، افزایش سریع نرخ مشارکت زنان در سال‌های آتی مسلم است و باید برای ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب، با توجه به سطح سواد و

سبک مراقبت

■ **ترنس محمدی**

صبح‌ها در مترو، و خیابان‌ها و... با صحنه‌های غم‌انگیزی مواجه می‌شوی. صحنه‌هایی چون التماس یک کودک با دستان ضعیف و کوچک برای خریدن یک فال، آرده شدن دستان کوچک و نحیف یک کودک برای زدن واکس، به خواب رفتن کودکان گلغروش در کف قطارهای مترو تا رسیدن به مقصد، کود کانه دودین، نگاه‌های ناتوان و... مگر این کودکان نباید الان در خانه و در رختخواب باشند؟ مگر آنها مدرسه نمی‌روند؟ پدر و مادر آنها کجا هستند؟ در کوچه و خیابان با این آلودگی‌ها نکند مریض شوند؟ روز به روز به جای اینکه کمتر شوند، افزایش پیدا می‌کنند. گاهی اوقات به این می‌اندیشم که در این شرایط زندگی کردن واقعا سخت است. گاهی حق می‌دهم و خودم را قانع می‌کنم تا آرام شوم. در هر حال زندگی‌ها سخت شده است، اما واقعیت آن است که بسیاری از این کودکان وسیله افراد سودجو هستند.

■ ■ ■

چندین بار در خیابان‌ها گداهایی با کیسه‌های پر پول دستگیر شده‌اند. گداهایی که با نوزادان کوچک در بغل این کار برایشان شغل محسوب می‌شود. اما بازمی‌گویم به حاشیه‌های شهر و خانواده‌های حاشیه‌نشین شهرهای بزرگ؛ جمله تهران همیشه در این فکر بودم چرا بر گزای از دوهای جهانی برای ما تهرانی‌ها باید به مقصد جاهای دور باید باشد؟ آیا به دور و اطراف شهرمان نگاه کرده‌ایم؟

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۹۸۴۷۱

د

محدودیت بودجه سبب می‌شود تا از میان تعداد بی‌شمار کالای موجود فقط شمار اندکی از آنها برای مصرف انتخاب شود. زنان در انتخاب نحوه مدیریت مصرف – پس‌انداز و مقدار کالای مصرفی نقش مهمی را ایفا می‌کنند، در نتیجه خانواده، به‌واسطه تصمیم‌بچا و هوشمندانه زنان، می‌تواند با حذف نیازهای غیر ضروری و با منابع یکسان، منفعت و بهره بیشتری کسب کند

یکسان دارند اما الگوی مصرف و پس‌انداز آنها مشابه نیست. در علم اقتصاد هدف غایی مصرف، مطلوبیتی است که به دنبال آن مصرف‌کننده می‌شود.

محدودیت بودجه سبب می‌شود تا از میان تعداد بی‌شمار کالای موجود فقط شمار اندکی از آنها برای مصرف انتخاب شود. نکته مهم این است که اگر خانواده‌ای قادر باشد با طرف گفت‌وگو همین طور درباره یکدیگر فکر کنیم که با درآمد بیشتر کسب می‌کرد، بهره‌وری خود را افزایش داده است. به عبارت دیگر فرد از امکانات موجود، به شیوه بهتری استفاده و منفعت بیشتری کسب کرده است. این بحث در اقتصاد مصداق بهره‌وری می‌باشند. زنان در انتخاب نحوه مدیریت مصرف – پس‌انداز و مقدار کالای مصرفی نقش مهمی را ایفا می‌کنند، در نتیجه خانواده، به‌واسطه تصمیم‌بچا و هوشمندانه زنان، می‌تواند با حذف نیازهای غیر ضروری با منابع یکسان، منفعت و بهره بیشتری را کسب کند. در یک خانواده معتدل افراط و تفریط جایی ندارد و سکان چنین خانواده‌ای در دست زنان مقتصد است.

■ **زن و اشتغال از نگاه حضرت امام(ره) و رهبری**
امام‌راحل(ره) در مورد کار و اشتغال بانوان در جامعه فرموده‌اند:« در نظام اسلامی زن به عنوان یک انسان می‌تواند مشارکت فعال با مردان در بنای جامعه اسلامی داشته باشد ولی نه به‌صورت یک‌تنی، نه‌اد حق دارد خود را به چنین حدی تنزل دهد و نه مردان حق دارند که به او چنین بیندیشند در مورد آنچه به نام تفریحات شناخته شده است اسلام با هر چیزی که انسان را به پوچی از خود بیگانه شدن می‌کشاند مبارزه می‌کند».

رهبر معظم انقلاب نیز درباره نقش زنان در فعالیت‌های اقتصادی فرموده‌اند:«اسلام با کار کردن زن نه تنها موافق است بلکه تا آنجایی که با شغل اساسی آنها که مهم‌ترین شغل او یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده مزاحم نباشد، شاید لازم هم باشد. یک کشور نمی‌تواند از نیروی کار زنان در عرصه‌های مختلف بی‌نیاز باشد اما این کار باید با کرامت و ارزش معنوی و انسانی زن منافات نداشته باشد و زن را تذلیل نکند»

تصمیم می‌گیرند که کودک خود را به سر کار بفرستند. گفت‌وگویشان سؤال پرسیند. بیشتر این گفت‌وگوها در واقع باید گفت شکل‌های منفی لزوماً منجر به افزایش کودکان کار نمی‌شود و همچنین شکل‌های مثبت نیز منجر به کاهش کودکان کار نمی‌گردد. نگرش‌های غلط فرهنگی خیلی مهم است. مثلاً «بهرها باید کار کنند و خانواده باشند گفت‌وگو را تمام کنند. بعد هم آن آموزش ببینند از کودکی و گرنه بد عادت خواهند شد و در بزرگسالی فردی بیکار و خانه‌نشین خواهند شد.»

کودکان کار در شرایط بسیار نامطلوب از نظر تغذیه بهداشت و انجام کارهای خطرناک و حادثه به سر می‌برند. این کودکان می‌توانند به راحتی با بچه‌های بزرگکار حرفه‌ای اعم از سارقان خیابانی، افراد توزیع کننده مواد مخدر و عوامل ایجادکننده خانه‌های فساد در تماس قرار گیرند. همچنین عدم‌بهره‌گیری از آموزش و تحصیل علم و فن، قدرت رقابت با سایر کودکان در ایجاد یک زندگی سالم را هر چه بیشتر از این کودکان سلب می‌کند.

کودکان کار همچنین به دلیل نداشتن شرایط معمولی زندگی دارای روحیه حساس و از نظر عاطفی آسیب‌پذیرتر از کودکان هم‌سن و سال خود هستند. بنابراین بی‌توجهی و نادیده گرفتن این کودکان چه بسا در بزرگسالی باعث بروز بسیاری از ناهنجاری‌ها یا عقده‌های رفتاری شود. تقریباً عمده کودکان کار و خیابان برای تأمین معاش خود و خانواده‌شان در خیابان‌ها کار می‌کنند. حالا یک عده ممکن است از باندهایی باشند اما بخش عمده‌ای از آنان از کسانی هستند که برای تأمین معاش خود و خانواده‌ها کار می‌کنند. این مسئله در ایران رو به افزایش است و باید برای کودکان کار راه‌ی اندیشید.

حوالی غروب بود که آدام ماسترویانی با کراهه پایپوش را می‌پاست تا به مهمانی رسمی‌ای در دانشگاه آکسفورد برود که هیچ دلش نمی‌خواست در آن شرکت کند. ماسترویانی آن زمان دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی آکسفورد بود و می‌دانست که تاگزیر گرفتار چند گفت‌وگوی تمام‌نشدنی می‌شود و راهی هم ندارد که محترمانه از آنها خلاص شود. بدتر اینکه ناگهان به خود می‌آمد و می‌دید خودش هم خواسته با ناخواسته دیگران را به حرف گرفته و در این کار دست کمی از بقیه ندارد. از خودش می‌پرسید: «اگر هر دو طرف گفت‌وگو همین طور درباره یکدیگر فکر کنیم چه؟ آخر هر دویمان گیر افتاده‌ایم. چون وارد کود که نشوی دیگر راه فراری نداری.»

هیچ‌بعد نیست که این شم ماسترویانی درست باشد پژوهشی در س سری اول ماه مارس مقالات آکادمی ملی علوم ایالات متحده امریکا منتشر شد که در آن محققان با افراد اهل گفت‌وگو و مصاحبه کرده‌اند تا برآورد کنند افراد چقدر تمایل دارند گفت‌وگوهایشان طول بکشد. این گروه تحقیقاتی دریافتند خیلی کم پیش می‌آید که گفت‌وگوها در زمان مطلوب دو طرف تمام شوند و افراد زمان مناسب اتمام گفت‌وگو را به خوبی تشخیص نمی‌دهند. باوجوداین، در مواردی هم طرف صحبت از اینکه گفت‌وگو بیش از حد کوتاه بوده گله داشته، نه از بیش از حد طولانی بودن آن.

ماسترویانی، دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه هاروارد می‌گوید: «سخت در اشتباهید اگر فکر کنید همه خواسته‌های طرف مقابل را می‌دانید. در این صورت شاید گفت‌وگو را در اولین فرصت مناسب تمام از واژه‌ها برای متقاعد کردن یکدیگر استفاده می‌کنند. مطالعات معدودی به این موضوع پرداخته‌اند که افراد در پایان گفت‌وگو چه عبارتی‌ها را به کار می‌برند، اما روی این تمرکز نکرده‌اند که در چه زمانی این کار را انجام می‌دهند. ماسترویانی می‌گوید: «روانشناسی تازه به این حقیقت رسیده که این یک رفتار اجتماعی بنیادی و بسیار جذاب است.»

او و همکارانش برای بررسی پویایی گفت‌وگو دو آزمایش انجام دادند. در آزمایش اول از ۸۰۶ شرکت‌کننده آنلاین درباره مدت‌زمان آخرین گفت‌وگویشان سؤال پرسیدند. بیشتر این گفت‌وگوها با فرد مهمی انجام شده بود، یعنی یکی از اعضای خانواده یا دوستان. از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شد به صورت جزئی بیان کنند آیا لحظه‌ای بوده که خواسته باشند گفت‌وگو را تمام کنند. بعد هم آن لحظه را با زمان واقعی پایان یافتن گفت‌وگو مقایسه می‌کردند.

در آزمایش دوم که در آزمایشگاه انجام شد محققان ۲۵۲ شرکت‌کننده را به گروه‌های دوتفره ناشناس با هم تقسیم کردند و به آنها گفتند زمان گفت‌وگوی خود را با زمان واقعی پایان یافتن گفت‌وگو مقایسه می‌کنند. بعد هم آن لحظه را با زمان واقعی پایان یافتن گفت‌وگو مقایسه می‌کردند.

نتیجه این آزمایش‌ها نشان داد که در هر دو گروه گفت‌وگوها در واقع میانگین ۱۰ درصد گفت‌وگوها، نصف طول واقعی آنها بود. همچنین محققان در دو طرف توافق می‌کنند که در هر دو طرف خواهان بیشترشدن زمان تعامل خود بودند و تقریباً در ۳۱ درصد از تعاملات میان این افراد ناآشنا، دست‌کم یکی از طرف مایل به ادامه گفت‌وگو بود.

شما بین یک تا ۴۵ دقیقه است و در این مدت هرچه می‌خواهد دل تنگت بگو سپس تیم تحقیقاتی از افراد سؤال کرد که دوست داشتید چه زمانی گفت‌وگو پایان یابد و حدس بزیند پاسخ طرف مقابلتان به این سؤال چیست. ماسترویانی و همکارانش دریافتند که تنها ۲ درصد از گفت‌وگوها در ست در زمانی پایان یافته بود که هر دو طرف مایل به اتمام گفت‌وگو بودند. تقریباً در نیمی از گفت‌وگوها هر دو طرف دوست داشتند کمتر صحبت کنند اما معمولاً لحظه مطلوب اتمام گفت‌وگویشان در مطالعه، طول مطلوب گفت‌وگوها به طور میانگین نصف طول واقعی آنها بود. همچنین محققان در شگفت بودند که همیشه هم مسئله این نیست که افراد اسیر صحبت‌ها باشند. در ۱۰ درصد گفت‌وگوها، هر دو طرف خواهان بیشترشدن زمان تعامل خود بودند و تقریباً در ۳۱ درصد از تعاملات میان این افراد ناآشنا، دست‌کم یکی از طرف مایل به ادامه گفت‌وگو بود.

بعلاوه، بیشتر افراد نمی‌توانستند علایق طرف مقابل خود را به فراست دریابند. شرکت‌کنندگان زمان مطلوب برای اتمام گفت‌وگو از نظـر طرف مقابل را تخمین می‌زدند، اما حدس آنها تقریباً به اندازه ۶۴ درصد طول کل گفت‌وگوها خطا داشت.

تابلا ریوتلی، روانشناس اجتماعی در کالج دارتموث می‌افزاید: شاید این معما یکی از دلایلی باشد که افراد دوست دارند هنگام خوردن قهوه، نوشیدنی یا غذا با یکدیگر صحبت کنند، چون «مدافـل تنجـان خـالی یا صورت‌حساب روی مـز را هرگز بی‌جلوی پایمان می‌گذار، دستاویزی کارگشا برای پایان دادن به گفت‌وگو».

نیکلاس اپلی، دانشمند رفتارشناسی دانشگاه شیکاگو می‌افزاید: «همه پژوهشگران این تحقیق نیستند – این مسئله را مطرح می‌کند که چه می‌شد اگر اغلب گفت‌وگوها درست زمانی پایان می‌یافتند که دلمان می‌خواست. او می‌پرسد: «اگر وارد گفت‌وگوهای طولانی‌تر یا سمعیت‌تر نشویم، در آن صورت چه پیش‌های جدید یا دیدگاه‌های تازه با حقایق جذابی از زندگی‌ما را از دست می‌دهیم؟»

پاسخ این پرسش را نمی‌توان در تعاملات بی‌شمار زندگی روزمره یافت، اما دانشمندان می‌توانند آزمایشی ترتیب دهند که زمان پایان یافتن گفت‌وگوها دقیقاً مطابق مطلوب شرکت‌کننده‌ها یا کمی بیشتر باشد. اپلی می‌پرسد: «آیا کسانی که گفت‌وگوهایشان دقیقاً در زمان مطلوبشان به پایان می‌رسد، حقیقتاً گفت‌وگوهای بهتری از کسانی دارند که گفت‌وگوهایشان کمی طولانی‌شده است؟ نمی‌دانم، اما دوست دارم نتایج این آزمایش را بدانم.»

این یافته‌ها عرصه جدیدی را به روی ما باز می‌کند. آیا در دیگر فرهنگ‌ها قواعد شفافی برای گفت‌وگو وجود دارد؟ گفت‌وگوکنندگان ما هر چه سرخ‌چاهی را دنبال می‌کنند؟ چه چیزهایی درباره پویایی گفت‌وگوهای جمعی می‌توان گفت؟

السیون وود بروکس، استاد مدیریت تجاری مدرسه تجارت هاروارد می‌گوید: «دانش رو به شکوفایی گفت‌وگو به مقالاتی نیاز دارد که اینچنین توصیفی و باریک‌بینانه باشند، اما برای بررسی چالش‌های مهم و فراگیر گفت‌وگو باید راهبردهایمان را در بوته آزمایش‌های علمی قرار دهیم. عجیب است که ما انسان‌ها می‌توانیم به سباره مر یخ کاوشگر بفرستیم اما هنوز نمی‌دانیم چطور با هم صحبت کنیم.»

نقل از وب‌سایت ترجمان / نوشته: ریچل نیوئر / ترجمه: نجمه رضایی

مراجع: ساینتیفیک امریکن

سبک تعامل



به‌مریخ کاوشگر می‌فرستیم

اما هنوز نمی‌دانیم چطور با هم صحبت کنیم

نقطه مطلوب پایان گفت‌وگو کجاست؟!

بسیاری از آدم‌ها درک درستی از زمان مناسب برای پایان یک مکالمه ندارند. خیلی وقت‌ها حاضریم هر کاری بکنیم تا از دام گفت‌وگوی آزاددهنده رها نشویم و البته خیلی وقت‌ها هم خودمان، دانسته یا ندانسته دیگران را در چنین موقعیتی قرار می‌دهیم. یافته‌های جدید نشان می‌دهند که در ۹۰ درصد مکالمه‌ها حداقل یکی از دو طرف گفت‌وگو دوست داشتند مکالمه زودتر تمام شود. آیا راهی هست که بتوان فهمید کی باید از حرف‌زدن دست کشید؟

شما بین یک تا ۴۵ دقیقه است و در این مدت هرچه می‌خواهد دل تنگت بگو سپس تیم تحقیقاتی از افراد سؤال کرد که دوست داشتید چه زمانی گفت‌وگو پایان یابد و حدس بزیند پاسخ طرف مقابلتان به این سؤال چیست.

ماسترویانی و همکارانش دریافتند که تنها ۲ درصد از گفت‌وگوها در ست در زمانی پایان یافته بود که هر دو طرف مایل به اتمام گفت‌وگو بودند. تقریباً در نیمی از گفت‌وگوها هر دو طرف دوست داشتند کمتر صحبت کنند اما معمولاً لحظه مطلوب اتمام گفت‌وگویشان در مطالعه، طول مطلوب گفت‌وگوها به طور میانگین نصف طول واقعی آنها بود. همچنین محققان در شگفت بودند که همیشه هم مسئله این نیست که افراد اسیر صحبت‌ها باشند. در ۱۰ درصد گفت‌وگوها، هر دو طرف خواهان بیشترشدن زمان تعامل خود بودند و تقریباً در ۳۱ درصد از تعاملات میان این افراد ناآشنا، دست‌کم یکی از طرف مایل به ادامه گفت‌وگو بود.

بعلاوه، بیشتر افراد نمی‌توانستند علایق طرف مقابل خود را به فراست دریابند. شرکت‌کنندگان زمان مطلوب برای اتمام گفت‌وگو از نظـر طرف مقابل را تخمین می‌زدند، اما حدس آنها تقریباً به اندازه ۶۴ درصد طول کل گفت‌وگوها خطا داشت.

تابلا ریوتلی، روانشناس اجتماعی در کالج دارتموث می‌افزاید: شاید این معما یکی از دلایلی باشد که افراد دوست دارند هنگام خوردن قهوه، نوشیدنی یا غذا با یکدیگر صحبت کنند، چون «مدافـل تنجـان خـالی یا صورت‌حساب روی مـز را هرگز بی‌جلوی پایمان می‌گذار، دستاویزی کارگشا برای پایان دادن به گفت‌وگو».

نیکلاس اپلی، دانشمند رفتارشناسی دانشگاه شیکاگو می‌افزاید: «همه پژوهشگران این تحقیق نیستند – این مسئله را مطرح می‌کند که چه می‌شد اگر اغلب گفت‌وگوها درست زمانی پایان می‌یافتند که دلمان می‌خواست. او می‌پرسد: «اگر وارد گفت‌وگوهای طولانی‌تر یا سمعیت‌تر نشویم، در آن صورت چه پیش‌های جدید یا دیدگاه‌های تازه با حقایق جذابی از زندگی‌ما را از دست می‌دهیم؟»

پاسخ این پرسش را نمی‌توان در تعاملات بی‌شمار زندگی روزمره یافت، اما دانشمندان می‌توانند آزمایشی ترتیب دهند که زمان پایان یافتن گفت‌وگوها دقیقاً مطابق مطلوب شرکت‌کننده‌ها یا کمی بیشتر باشد. اپلی می‌پرسد: «آیا کسانی که گفت‌وگوهایشان دقیقاً در زمان مطلوبشان به پایان می‌رسد، حقیقتاً گفت‌وگوهای بهتری از کسانی دارند که گفت‌وگوهایشان کمی طولانی‌شده است؟ نمی‌دانم، اما دوست دارم نتایج این آزمایش را بدانم.»

این یافته‌ها عرصه جدیدی را به روی ما باز می‌کند. آیا در دیگر فرهنگ‌ها قواعد شفافی برای گفت‌وگو وجود دارد؟ گفت‌وگوکنندگان ما هر چه سرخ‌چاهی را دنبال می‌کنند؟ چه چیزهایی درباره پویایی گفت‌وگوهای جمعی می‌توان گفت؟

السیون وود بروکس، استاد مدیریت تجاری مدرسه تجارت هاروارد می‌گوید: «دانش رو به شکوفایی گفت‌وگو به مقالاتی نیاز دارد که اینچنین توصیفی و باریک‌بینانه باشند، اما برای بررسی چالش‌های مهم و فراگیر گفت‌وگو باید راهبردهایمان را در بوته آزمایش‌های علمی قرار دهیم. عجیب است که ما انسان‌ها می‌توانیم به سباره مر یخ کاوشگر بفرستیم اما هنوز نمی‌دانیم چطور با هم صحبت کنیم.»

نقل از وب‌سایت ترجمان / نوشته: ریچل نیوئر / ترجمه: نجمه رضایی

مراجع: ساینتیفیک امریکن